

تغییر دستگاه آموزش و پرورش از نهاد آموزشی به نهاد فرهنگی

گفت‌وگو با حسن فرازنده خالدي مدیر کل دفتر امور مشاوره و علوم تربیتی

محمد دشتی

امر راهنمایی و مشاوره در نیم قرن اخیر در نظام آموزشی کشور مورد توجه بوده و با همه فراز و نشیب‌هایش همواره از موضوعات مورد توجه مسئولان نظام آموزشی کشور به شمار می‌رفته است. اخیراً با طرح موضوع تحول بنیادین در آموزش و پرورش و ساختار جدید نظام تحصیلی، باز هم این موضوع اهمیت خاصی یافته و انتظار می‌رود که اهتمام بیشتری بدان مبذول شود. در این باره با حسن فرازنده خالدي، مدیر کل دفتر امور مشاوره و علوم تربیتی، گفت‌وگویی داشته‌ایم که حاصل آن اینک پیش روی شماست.



و استعدادیابی به منظور هدایت دانش‌آموزان به سوی رشته‌ها، حرفه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور، متناسب با استعداد، علاقه‌مندی و توانایی آن‌هاست، توجه به این راهکار که مهم‌ترین مأموریت ماست می‌تواند پاسخ سؤال شما را هم به همراه داشته باشد. خدمات راهنمایی و مشاوره در دوره اول متوسطه نظام جدید آموزش و پرورش، از محوری‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت‌ها و راهبردها در آموزش و پرورش است. اگر بخواهیم اهمیت این موضوع را به خوبی بیان کنیم، باید به شرایط امروز جامعه دانشگاهی، مشاغل و جامعه شاغلان کشور نگاه کنیم. البته این موضوع ضلع چهارمی به نام خانواده‌ها و دغدغه‌هایشان را هم دارد. اگر این‌ها را کنار هم بگذاریم، اهمیت راهنمایی و مشاوره به طور دقیق مشخص می‌شود.

فعالی در این زمینه داشته باشیم، موفق نشدیم. در سند تحول بنیادین هم به این موضوع بسیار توجه شده و نسبت به گذشته مسئولیت بسیار سنگینی به اداره کل آموزش و پرورش واگذار شده است. قطعاً شما هم در این باره دغدغه‌های بسیار دارید. آقای خالدي اکنون شما بحث راهنمایی و مشاوره را در تحول بنیادین چگونه می‌بینید؟

سؤال شما عمومی و کلی است و به بازنگری و بازشناسی فرایند خدمات راهنمایی و مشاوره در جریان تعلیم و تربیت کشور نیاز دارد. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دو مأموریت اصلی به‌عنوان راهکار به بخش مشاوره معاونت پرورشی و فرهنگی محول شده است. یک راهکار درباره طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی

• اتفاق مهمی که چندی است در آموزش و پرورش افتاده، به ثمر نشستن سند تحول بنیادین است. علاوه بر آن، موضوع مهم راهنمایی و مشاوره هم مطرح است. در نگاهی به گذشته، فلسفه به وجود آمدن دوره راهنمایی تحصیلی که اکنون دوره اول متوسطه نام گرفته، مسئله راهنمایی و مشاوره بوده است. به خصوص در دهه ۴۰ که افرادی مانند دکتر اکرمی، دکتر صافی و دکتر آموزگار به عنوان مدرس این موضوع تربیت شدند. براساس تحقیقات، این دوره نیازمند مشاوره است. ولی می‌دانیم که در دهه ۵۰ مسئله درست اتفاق نیفتاده است. مرحوم دکتر کاردان عقیده داشتند که چون نتوانستیم نیروی

حتماً می‌دانید که شعار جهانی امسال سازمان بهداشت روان، «افسردگی، بحران جهانی» بود. در آموزه‌های دینی ما آمده است مهم‌ترین کاری که متولیان خانواده یعنی والدین باید انجام دهند، ایجاد آرامش در کانون خانواده است. برای این کار باید ضروریات و استلزامات آرامش را فراهم کنیم. مهم‌ترین وسیله و عامل آرامش، امید به آینده و دلگرمی دادن است. اگر در خانواده‌ها دلگرمی نیست یا بچه‌ها استرس و دغدغه دارند، به این خاطر است که به آینده خود چندان امیدوار نیستند. ما باید این مسئله را حل کنیم. البته حال سؤال این است که چرا بچه‌ها امیدوار نیستند؟ و جواب این است که چون به شغل آینده خود اطمینان ندارند. این نداشتن اطمینان به این دلیل است که می‌بینند جمع زیادی از اطرافیانشان فارغ‌التحصیل دانشگاه‌اند اما شاغل نیستند. این موضوع یعنی ما نتوانسته‌ایم بین رشته‌های مورد نیاز کشور در دانشگاه‌ها تناسبی به وجود آوریم. زمانی رشته‌ای مانند پزشکی به شدت طرفدار پیدا کرد. همه خانواده‌ها می‌خواستند که فرزندانشان در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهند. حالا هم بحث رشته‌های مهندسی مطرح است. این جریان باید قدری اصلاح و هدایت شود. ما در حوزه راهنمایی و مشاوره به دنبال آن هستیم که با فراهم کردن سازوکارهای اداری، علمی و آگاهی‌بخش، توسعه متوازن تحصیلی و شغلی ایجاد کنیم.

• آیا در این برنامه‌ها به علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان هم به خوبی توجه شده است؟

بله! چون اگر ما نیازهای شغلی و تحصیلی کشور، دغدغه‌های خانواده‌ها، استعداد و علاقه‌ها و سلیقه‌های دانش‌آموزان را در نظر بگیریم، می‌توانیم به گونه‌ای دانش‌آموزان را هدایت کنیم که بخش عمده‌ای از استرس‌ها و دغدغه‌های خانواده‌ها کم شود. وقتی دغدغه‌ها کم شود، یعنی بخشی از آرامش را به خانواده‌ها برگردانده‌ایم. وقتی خانواده آرامش داشته باشد، به‌طور طبیعی، بخش عمده‌ای از امنیت اجتماعی کشور - که حاصل امنیت فردی است - تأمین می‌شود.

• با برنامه‌ای که در پیش داریم، در سال ۱۳۹۲ دانش‌آموزان ششم ابتدایی به دوره اول متوسطه می‌آیند و در سال ۱۳۹۴ از دوره اول به دوره دوم متوسطه منتقل می‌شوند. طبق برنامه شما، در این سال دانش‌آموزان خدمات ذکر شده را دریافت خواهند کرد. یعنی هم استعداد آن‌ها برای اینکه چه رشته‌ای انتخاب کنند شناسایی می‌شود و هم ما مشاغل را به آن‌ها معرفی می‌کنیم. آیا شرایط کار گروهی یا انفرادی هم تا سال ۹۴ محقق خواهد شد؟

البته این ویژگی‌ها بعد از فراغت از تحصیل در مدرسه و حتی در دانشگاه خواهد بود.

• آزمون‌های مشاوره‌ای در چه پایه‌ای انجام خواهد شد؟

در سال سوم دوره اول متوسطه آزمون اجرا می‌شود. اما بنا داریم اگر مقدمات فراهم شود، از سال اول ابتدایی تا سال چهارم متوسطه هم خرده آزمون‌هایی داشته باشیم. در شرایط فعلی که دوره گذار است،

سال ۱۳۹۴ آزمون را در سال سوم دوره اول متوسطه خواهیم داشت. ولی بنا داریم که اگر بتوانیم نقشه را چنین پیاده کنیم که از همان سال اول ابتدایی موضوع را پیگیری کنیم و آزمون‌ها را اجرا کنیم.

• پس اگر امکانات و تمهیدات فراهم شود، بالاخره از سال اول یا دوم ابتدایی آزمون‌ها برگزار می‌شود؟

این موضوع به همراهی مسئولان آموزش و پرورش بستگی دارد و البته بخشی هم به نظام دولتی مربوط است. یعنی اجرای طرح مستلزم این است که در دوره ابتدایی نیروی انسانی کافی داشته باشیم. اگر به‌طور میانگین ۸۰ هزار واحد آموزشی داشته باشیم، در هر واحد حداقل به یک نیروی مشاور نیاز داریم. در حالی که اکنون مشاوران ما نزدیک به ۲۰ هزار نفر هستند. جذب نیروی انسانی هم صرفاً در حیطة وظیفه آموزش و پرورش نیست و مجلس و دولت هر دو باید این مجوز را صادر کنند. نیرویی هم که قرار است وارد آموزش و پرورش شود، باید توانمندی و ویژگی‌های لازم آموزش و پرورش و مشاور بودن را داشته باشد. در حال حاضر ما این موضوع را در دانشگاه فرهنگیان پی می‌گیریم. به‌نظر می‌رسد بتوانیم این طرح را در پنج سال آینده محقق کنیم.

• پس برای سال ۱۳۹۴، همه بچه‌های پایه سوم دوره اول متوسطه ما آزمون خواهند داد؟

بله. هدایت تحصیلی به‌طور مشخص انجام خواهد شد.

• با نگاهی که شما فرمودید ۸۰ هزار مشاور نیاز داریم،

خدمات راهنمایی و مشاوره در دوره اول متوسطه نظام جدید آموزش و پرورش، از محوری‌ترین و اساسی‌ترین فعالیت‌ها و راهبردها در آموزش و پرورش است

این طرح‌ها اجرا شده و بقیه در حال تدارک برای اجرا هستند.

● آیا در مجموعه برنامه‌هایی که به آن‌ها اشاره کردید، به پتانسیل وزارت آموزش و پرورش توجه شده است؟ چون نوعی بدفهمی از بحث تعلیم و تربیت وجود دارد و گاهی اوقات و شاید هم عموماً، تعلیم و تربیت مساوی با آموزش و پرورش دیده می‌شود. ما هم گاهی در این دام می‌افتیم. اشاره کردید این کار کاری نظام‌دار است که به همکاری جامعه، رسانه‌ها، خانواده‌ها و نظام‌های دخیلی نیاز دارد که برای ما نیرو تأمین می‌کنند. آیا پیش‌بینی شده است که در آینده این عوامل کنار هم قرار گیرند تا به شما کمک کنند اهدافی را که به آن‌ها اشاره کردید محقق شود یا نه، اصلاً اعتقاد دارید که این کار به تنهایی از آموزش و پرورش ساخته است؟

نظام آموزش و پرورش کشور ما که بزرگ‌ترین و اثرگذارترین دستگاه دولتی کشور است، متأسفانه در نظام تصمیم‌گیری، به عنوان نهادی فرهنگی معرفی نشده است. این مشکل اساسی ماست. من فکر می‌کنم سنگ بنای انحراف از بعضی مسائل در نداشتن توان و مجوز برای تصمیم‌گیری، در همین نکته است. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین پیام سند تحول بنیادین، تغییر دستگاه آموزش و پرورش از نهادی آموزشی به نهادی فرهنگی است. اگر این اتفاق بیفتد که باید بیفتد (برای اینکه در تمام دنیا آموزش و پرورش اصلی‌ترین نهاد فرهنگی است)، مسئله حل خواهد شد. همان‌طور

حال احتمال دارد رابط هسته‌ها مدیر واحد آموزشی، معاون یا معاون پرورشی باشد. حتی ممکن است یکی از معلمان باشد که نیازهای مشاوره‌ای مدرسه ابتدایی را پوشش دهد.

در واقع اگر این رابط از موارد مشاوره‌ای مطلع شود یا موردی را مشاهده کند، آن را به هسته‌ها ارجاع می‌دهد، چرا که هسته‌های مناطق به مدارس ابتدایی اشراف بیشتری دارند. یعنی بیشترین پیگیری‌هایشان در مدارس ابتدایی است. چون در حال حاضر عموماً در مدارس متوسطه و در برخی از مدارس راهنمایی فعلی مشاور داریم، اما در مدارس ابتدایی کمتر مشاور داریم.

طرح بعدی طرح «همتایان مشاور» در مدارس متوسطه است که به مشاوران بیشتری نیاز دارند. این طرح هم در تعدادی از مدارس متوسطه اجرا شده است. در این طرح، دانش‌آموزانی که به فعالیت‌های مشاوره‌ای علاقه دارند می‌توانند با زبان نوجوانانه و دانش‌آموزی، پیام‌های مشاوره را به هم‌کلاسی‌های خود انتقال دهند.

در سند تحول بنیادین، استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی بر مبنای اسلامی مبتنی است که به منظور افزایش نقش معلمان و کارکنان مورد توجه قرار گرفته است. این هم یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های حوزه مشاوره ماست که در راستای آن دو طرح را نیز پیش‌بینی کرده‌ایم.

طرح دیگر، طرح احیا و تعمیم فعالیت‌های مشاوره‌ای به مدیران و معاونان مدارس است و دیگری هم طرح احیا و تعمیم فعالیت‌های تربیتی به کلیه کارکنان. بخشی از

یعنی در دوره اول متوسطه باید این تعداد مشاور را داشته باشیم یا تمهیدی بیندیشیم...

همان وقتی که موضوع مجتمع‌های آموزشی و پرورشی طراحی شد، قرار شد ما یک مشاور در مجتمع داشته باشیم. در مجتمعی که واحدهای آموزشی آن کنار یکدیگرند، مشاور می‌تواند نیازهای مشاوره‌ای کل مجتمع را پوشش دهد.

● ولی باید این اختصاص مشاور سقف جمعیت داشته باشد. تعداد جمعیت خیلی مهم است. یعنی در هر مجتمع به ازای چه تعداد دانش‌آموز باید یک مشاور داشته باشیم؟

شاخص ما اکنون یک دوازدهم است. یعنی برای هر دوازده دانش‌آموز، یک ساعت فعالیت مشاوره‌ای تعلق می‌گیرد، حالا به هر تعداد دانش‌آموز داشته باشند. به نظر می‌رسد شرایط فعلی خوب است.

علاوه بر آن، دوستان حوزه مشاوره دو طرح دیگر را تبیین کرده‌اند که اجرا شده و موفق هم بوده است. فعلاً ما در مدارس ابتدایی «طرح رابطان هسته‌ها» را داریم. به این معنی که در هر واحد آموزش ابتدایی، همکاری که به فعالیت‌های مشاوره‌ای علاقه‌مند است یا مطالعه‌ای در این حوزه دارد، به عنوان رابط هسته‌های مشاوره معرفی می‌شود. بعد از اینکه همکاران علاقه‌مند اعلام آمادگی کردند، از حوزه مشاوره منطقه و استان آموزش‌هایی برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. پس از آن، با عملیات اداری فعالیت مشاوره‌ای هم آشنا می‌شوند و کار را شروع می‌کنند.

در حوزه راهنمایی و مشاوره به دنبال آن هستیم که با فراهم کردن سازوکارهای اداری، علمی و آگاهی‌بخش، توسعه متوازن تحصیلی و شغلی ایجاد کنیم

که می‌دانید، بدون استثنا، بیشترین و وسیع‌ترین جامعه مخاطبان تمام سی‌ودو دستگاه فرهنگی که در کشور فعالیت می‌کنند دانش‌آموزان هستند. بیشترین ارتباط این دانش‌آموزان با کجاست جز با آموزش و پرورش؟ آیا خانواده‌ها بیشترین نیازهای فرهنگ‌سازی را از آموزش و پرورش مطالبه نمی‌کنند؟ هر چند اکنون صداوسیما به گفته امام خمینی (ره) دانشگاهی فرهنگی و مؤثر است، اما هنوز هم خانواده‌های ما تبیین اصول فرهنگی را از آموزش و پرورش مطالبه می‌کنند. چرا در نظام حکومتی ما آموزش و پرورش به عنوان نهادی فرهنگی مورد نظر نیست؟ این مشکل اساسی ماست.

فارغ از این مسائل، جامعه جامعه آموزش و پرورش را نهادی اثرگذار می‌دانند و این تعامل دوطرفه است. ما برای هدایت تحصیلی فقط خودمان تصمیم نمی‌گیریم. بخشی از امتیازات ما را هم اولیا و بخشی را معلم بر عهده دارد. اینجا معلم صرفاً فردی دولتی در آموزش و پرورش نیست، بلکه فردی است که بخشی از الگوسازی‌های رفتاری، شغلی و تحصیلی دانش‌آموز

را بر عهده دارد. یعنی اگر جامعه معلمان و جامعه اولیا را افرادی تأثیرگذار در هدایت و راهنمایی تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان ببینیم، طیف وسیعی از جامعه با این موضوع مرتبط خواهند بود.

● آیا در برنامه هدایت تحصیلی به توان و امکانات خارج از آموزش و پرورش هم توجه شده است؟

بله! این موضوع مورد توجه بوده است. ما در نظام و اساسنامه جدید هدایت تحصیلی که برای تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش تقدیم شده است، برای طراحی هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، از بیرون وزارت آموزش و پرورش هم استفاده می‌کنیم. برای مثال، از جامعه دانشگاهی، سازمان فنی و حرفه‌ای کشور، دفاتر آموزشی، نماینده انجمن اولیا و مربیان و نماینده دانش‌آموزان هم نظرخواهی می‌کنیم تا اساسنامه‌ای جامع و کامل و با در نظر گرفتن تمام زوایا تدوین کنیم.

ما در این حوزه وارد شده‌ایم، اما باید دقت داشته باشیم که آموزش و پرورش شغل نمی‌سازد.

طبیعی است دستگاه‌هایی که متولی این امر هستند باید به میدان بیایند و خواهند آمد و البته ما انتظار بیشتری از این دستگاه‌ها داریم.

دو سال پیش، تصمیم بر توسعه متوازن شغلی گرفته شد. یکی از برنامه‌های کاری ما این بود که تمام مشاغل موجود در کشور را بشناسیم. حتی باید شغل‌هایی را که در شهرهای کوچک و به تعداد کم وجود داشتند شناسایی می‌کردیم. بنابراین تصمیم گرفتیم اطلس مشاغل را طراحی کنیم. و دوستان مشاور ما موظف شدند شغل‌های عمومی و اختصاصی استان خود را در تمام شهرها بررسی کنند.

سال گذشته اطلس مشاغل همه استان‌ها طراحی شد. در حال حاضر ما سی‌ودو اطلس شغلی داریم. وقتی این اطلس‌ها طراحی و آماده شدند، عزیزان حوزه سازمان فنی و حرفه‌ای و کار و امور اجتماعی آن را از ما مطالبه کردند و باور نداشتند که آموزش و پرورش بتواند چنین کاری انجام دهد، درحالی که این کار اساساً کار ما نیست و کار دیگران است.

در سند تحول بنیادین، استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی بر مبنای اسلامی مبتنی است که به منظور افزایش نقش معلمان و کارکنان مورد توجه قرار گرفته است



عکاس: غلامرضا بهرامی